

مدیریت مغالطه قطعیت جعلی در سازمان ها

زهرا محمدپور¹، مهدی احمدی زاده²، سعید چشم فسا³ و محمد ملک محمدی⁴

1- دکترای تخصصی مدیریت دولتی، گرایش رفتار سازمانی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد چالوس، ایران. Dr.zmohammadpour@gmail.com

2- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، ایران.

Mahdi.ahmadzadeh1365@gmail.com

3- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، ایران.

Saeed.cf77@gmail.com

4- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، ایران.

Mohammadmalekamohammadi1366@gmail.com

چکیده

ادراک فرآیند شناختی است که به وسیله آن محیط پیرامون خود را تفسیر میکنیم. و از این نظر اهمیت دارد که کلیه کارکنان سازمان ادراک مشترکی از پدیده های سازمانی ندارند و به همین دلیل با یکسری خطاهای ادراکی مواجه می شویم و این خطاها تبدیل به سوء تفاهم می شود که برای سازمان بسیار زیان بار است. با توجه به کلمه مغالطه این مطلب فهمیده می شود که مغالطه از غلط اخذ شده است و غلط هم به این معناست که مغاط، باطل را به صورت حق و حق را به صورت باطل معرفی کند و از احکام، بدون دلیل استفاده نماید. با توجه به این معنا و همچنین کاربردی که این صنعت در جامعه بشری دارد، لازم است به بررسی و تحقیق درباره این صنعت پرداخته شود. مغالطه ی قطعیت جعلی موقعی اتفاق می افتد که گوینده بدون ارائه ی مدرک یا در نظر داشتنن مقدمات خاصی، طوری نتیجه گیری کند که گویی نتیجه اش حقیقتی قطعی و بی چون و چراست، ولی در حقیقت این طور نباشد. در این پژوهش به دنبال تشریح مفهوم مغالطه ی قطعیت جعلی و چگونگی مدیریت آن در سازمانها هستیم.

واژگان کلیدی: مدیریت - مغالطه - قطعیت جعلی - سازمان ها

1- مقدمه

اهمیت عامل انسانی و نقش منحصر به فرد آن به منزله ی یک منبع استراتژیک و طراح و مجری نظام ها و فراگردهای سازمانی جایگاهی به مراتب بالاتر از گذشته یافته است. تا جایی که در تفکر سازمانی پیشرفته، از انسان به مثابه مهمترین منبع و دارایی برای سازمان یاد می شود و هرچه این سرمایه از کیفیت مطلوبتری برخوردار گردد، احتمال موفقیت، بقا و ارتقای سازمان بیشتر خواهد شد. انسان ها از قابلیت بیان واقعیات و بررسی صحت آنها برخوردارند. آنها می توانند اعتقاداتشان را توجیه کنند و تغییر دهند و به طور کلی امور را درک کنند. ما این کار را با عقل (Reason) انجام می دهیم و فرایند انجامش نیز استدلال کردن (Reasoning) نام دارد. تقریباً همه ی انسان های سالم از قابلیت استدلال کردن برخوردارند، ولی تعداد بسیار بسیار کمی از انسان ها این کار را به خوبی انجام می دهند. از روی ضعف استدلال و فقدان علم به پدیده هاست که بیشتر دچار مغالطه می شوند.

ادراک فرآیند شناختی است که به وسیله آن محیط پیرامون خود را تفسیر میکنیم. و از این نظر اهمیت دارد که کلیه کارکنان سازمان ادراک مشترکی از پدیده های سازمانی ندارند و به همین دلیل با یکسری خطاهای ادراکی مواجه می شویم و این خطاها تبدیل به سوء تفاهم می شود که برای سازمان بسیار زیان بار است.

مُغالطه یا مَغَالَطَه، آوردن دلیل اشتباه یا غیرمجاز برای استدلال است، که از نظر علم منطق به یکی از دلایل زیر نادرست باشد؛ نخست آنکه دست کم یکی از مقدمات گزاره نادرست باشد؛ دوم آنکه مقدمات گزاره، متضمن نتیجه ی گزاره نباشد و مغالطه قطعیت جعلی که بیانگر نتیجه گیری غیرواقع گوینده است، نوعی مغالطه پرکاربرد در سازمان های دولتی به شمار می آید که آسیب های خطرناکی ممکن است به سازمان تحمیل کند. درک اینکه مغالطه ها چیست مهم است تا فرد بتواند آنها را یا در نوشتار خود یا دیگران تشخیص دهد. اجتناب از مغالطه ها توانایی فرد را در ایجاد استدلال های قوی تقویت می کند. ارزیابی اینکه یک استدلال مغالطه آمیز است ممکن است دشوار باشد، زیرا استدلال ها در امتداد صحت وجود دارند و استدلالی که دارای چندین مرحله است یا بخشهایی ممکن است دارای برخی بخشهای صوتی و برخی موارد مغالطه آمیز باشد. استدلال های مغالطه آمیز معمولاً ظاهر فریبنده ای دارند که استدلال های خوبی هستند. مغالطه های غیر رسمی ممکن است از نقاط ضعف عاطفی، فکری یا روانی مخاطب نیز بهره برداری کند. شناخت مغالطه ها می تواند مهارتهای استدلال را ایجاد کند تا پیوندهای ضعیف تر بین مقدمات و نتیجه گیری ها را برای تشخیص بهتر آنچه به نظر می رسد درست است، نشان دهد.

2- مبانی نظری

مغالطه عبارت است از خطا و آشفتگی در سبک استدلال که براساس این تعریف وقوع مغالطه هارا، می توان در حوزه استنتاج در نظر گرفت، به این معنا که شخص بامقدمات و یا بدون مقدمات، از راه های منطقی یا غیرآن و به صورت معتبر و یا غیرمعتبر بخواهد صدق و یا کذب گزاره ای را نتیجه بگیرد. به ویژه آنکه بخواهد در مقام تفهیم یا تاثیرگذاری، مدعا یا محتوای گزاره ای را به افراد دیگر منتقل نماید. چنین نتیجه گیری یا گذراستنتاجی، چیزی است که متصف به مغالطه ای بودن می شود. (خندان، ۱۳۸۰). هر نوع خطا در

حوزه تصورات یا تصدیقات؛ اعم از این که عمدی باشد یا سهوی و اعم از این که مغالطه‌گر خود به خطا بیفتد یا دیگری را به خطا بیندازد و اعم از این که مغالطه‌گر در صدد تعریف یا استدلال باشد یا نباشد (دانشنامه حوزوی ویکی فقه). در منابع مختلف انواع مختلفی از تقسیم بندی مغالطات را ذکر کرده اند، برای مثال بوبنت در کتاب مغالطه به زبان آدمیزاد ۲۲۸ مورد مغالطه درجه یک و ۹۵ مورد مغالطه درجه دو را بیان می کند (بنت، ۲۰۱۲).

مغالطه در لغت به معنی سوق دادن شخص دیر و به غلط و نیز اشتباه کاری (خودفرد) است و در اصطلاح منطق، استدلالی است که واجد ارکان و شرایط استدلال به لحاظ ماده یا صورت و یا هر دو نباشند. مغالطه به معنی تعدد در به غلط اندازی دیگری با دو انگیزه می تواند تحقق یابد: 1. انگیزه حق: گاه ممکن است شخص مغالط به غرضی صحیح، دیگری را به اشتباه سوق دهد، به قصد امتحان مخاطب و یا به منظور تنبیه طرف مقابل برای اصرار نکردن او بر نظر اشتباه خود. در صورت اول به قیاس مغالطی ((امتحان)) و در صورت دوم به آن ((عناد)) می گویند. 2. انگیزه باطل: گاهی مغالط با اهدافی نادرست، مانند ربا، برتری بر دیگران دست به مغالطه می زند. اساس شکل گرفتن چنین انگیزه ای این است که مغالط بخواهد قبل از آراسته شدن به حکمت و مقتضای عقل، خود را در جامه عالمان ظاهر کند. چنین افرادی چاره ای جز تمسک به انواع مغالطه ندارند تنها راه مقبولیت کلام ایشان در میان ظاهر بینان، استفاده از مغالطه و شهرت دروغین به علم و فرزانی است (منتظری مقدم، 1394).

مغالطه ی قطعیّ جعلی موقعی اتفاق می افتد که گوینده بدون ارائه ی مدرک یا در نظر داشتنن مقدّمات خاصی، طوری نتیجه گیری کند که گویی نتیجه اش حقیقی قطعی و بی چون وچراست، ولی در حقیقت این طور نباشد.

معادلهای جایگزین: فرض کردن نتیجه، توسّل به معرفت عام

شکل منطقی: همه میدانند X صادق است.

بنابراین X صادق است.

مثال: همه ی مردم دنیا میدونن که کمک کردن به کودکان گرسنه ی دنیا اوجب واجباته.

توضیح: در واقع همه ی مردم دنیا چنین چیزی را نمی دانند. شاید برای شخص ادعاکننده و بسیاری از مخاطبان او چنین ادعایی نمونه ی بارز معرفت عام باشد، ولی انسان های زیادی در سرتاسر کره ی زمین هستند که با این دیدگاه موافق نیستند و اول باید متقاعدشان کرد.

مثال: همه میدونن که بدون دین، ما عملا با گوسفند بی چوپون فرقی نداریم.

توضیح: نه، همه این را نمی دانند. افرادی که دوست ندارند از حوزه ی اجتماعی خود پا فراتر بگذارند، گاه متوجّه نیستند آنچه که در حوزه ی اجتماعیشان به مثابه حقایق جهان شمول پذیرفته شده، در خارج از آن حلقه شاید هیچ خریداری نداشته باشد. کلا بهتر است نسبت به «حقایق جهان شمول» تردید داشته باشید.

استثنا: اگر واقعیاتی آنقدر واضح و روشن اند که رد کردنشان احمقانه به نظر برسد، می توان آنها را مفروض داشت. ولی باید همیشه آماده باشید تا از هر پیش فرضی دفاع کنید، مهم نیست چقدر از قطعیت آن اطمینان دارید.

مثال: همه میدانیم که بدون آب زنده نمی‌مونیم.

راهنمایی: سعی کنید در زندگیتان واژه ی «قطعا» یا «بدون شک» را به کار نبرید. به جنایش بگویید «به احتمال زیاد» یا «من فکر می‌کنم که...»

دگرگونی: توسل به معرفت عام (Appeal to Common Sense) یعنی بیان اینکه نتیجه ای کنه شما به آن رسیده اید «معرفت عام» است، اما معرفت چیزی نیست که عموم مردم از آن برخوردار باشند. ما خواسته یا ناخواسته فکرمی کنیم که بسیاری از باورها و نظرهای مان «معرفت عام» هستند، اما در حقیقت اینطور نیست. ما باید همیشه حاضر باشیم استدلال کنیم چرا فلان باورمان معرفت عام است، نه اینکه صرفا این مسئله را ابراز کنیم (یوس، ۲۰۰۷).

3- پیشینه پژوهش

عسگرپورعلی، شیخ رضایی، (۱۳۹۸) مقاله ای نوشتند با عنوان: بررسی امکان برون رفت از مغالطه ی طبیعت گرایانه در اخلاق از دیدگاه مایکل روس. آنها در این مقاله بیان داشتند: اخلاق تکاملی همواره به ارتکاب مغالطه های طبیعت گرایانه متهم بوده است. مغالطه ی طبیعت گرایانه دو قرائت هیومی و موری دارد. قرائت هیومی که به قرائت استنتاجی مغالطه ی طبیعت گرایانه نیز موسوم است استنتاج باید ها از است ها را ارتکاب به نوعی مغالطه می‌داند. قرائت موری که به قرائت تعریفی مغالطه ای طبیعت گرایانه موسوم است تعریف ویژگی های اخلاقی به ویژگی های نا اخلاقی و به ویژه ویژگی های طبیعی را مغالطه در نظر می‌گیرد. آنها در این مقاله پس از معرفی اخلاق تکاملی روس، دلایل وی برای آن که دچار مغالطه های طبیعت گرایانه نشده است را ذکر نموده اند و به این نتیجه رسیده اند که روس واقعا از مغالطه اجتناب کرده است.

شکوهی بیدهندی، محمد صالح (۱۳۹۸)، مقاله ای نوشتند با عنوان: فرایند تهیه ی برنامه های توسعه ی شهری و تبیین انواع مغالطه در زمان پاسخگویی به افکار عمومی؛ نمونه ی موردی: کارگاه های ایسنا در نقد طرح جامع تهران. یافته های مطالعه نشان می‌دهد که می‌توان سه دسته ی کلی از پاسخ نسبت به انتقادات ارائه داد. دسته ی اول از پاسخ ها، ضمن پذیرش برخی انتقادات، اشاره می‌کند که از آنجا که این انتقادات به پروژه های پیشین هم وارد بوده است، نمی‌توان آنها را در این طرح هم اصلاح کرد. دسته ی دوم از پاسخ ها، به جای پاسخ به نقد، با بیانی مبهم، تلاش به متهم کردن منتقدان می‌کند. دسته ی سوم نیز، به منتقدان پیشنهاد مشارکت می‌دهد. پیشنهاد وسوسه انگیزی که منتقد را به سکوت وا می‌دارد. نکته ی مشترک در هر سه روش این است که تلاشی برای رفع نقص یا پاسخگویی به نقدها ندارند.

ورکی و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله ای با عنوان: طبقه بندی مغالطه های اسکات و پژوهش های تربیتی در ایران: ارزیابی روش شناختی پژوهش های منتشر شده در نشریات معتبر علوم تربیتی و روانشناسی ایران در سال

های ۱۳۸۱-۸۵ انجام دادند. یافته‌ها نشان داد که اغلب مغالطه‌های مورد وصف نه تنها در تمام پژوهش‌های کمی، بلکه در یک پژوهش کیفی و شش پژوهش ترکیبی مورد مطالعه نیز به تناوب مشاهده شدند.

آقائوری نعیمه (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان: مغالطه‌ها، مصادره‌ها و چالش‌های کاذب، موانع اصلی در پژوهش‌های حوزه ادبیات پایداری، نسبت به آسیب‌شناسی و رفع موانع پژوهشی ادبیات پایداری کوشش، و انحرافات پژوهشی اعم از مغالطه‌ها و مصادره در حوزه ادب پایداری و همچنین جریان‌ها یا چالش‌های کاذب پدیدآمده از این انحرافات را نقد و بررسی نموده‌اند.

صادقی گل، بهناز، دهقانپور، علیرضا (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان: پژوهشی پیرامون انواع جدیدی از مغالطه در قرآن کریم به این نتیجه رسیدند، دقت در آیات قرآن کریم از حیث چگونگی طرح مناظره‌ها و تأکید قرآن بر نشان دادن وجه مغالطه و راه اظهار و غلبه بر مغالطات، بیانگر این مسأله است که قرآن کریم به سبک گفتگو در مناظره توجه دارد. با تأمل در آیات قرآن کریم، مغالطاتی در مناظرات کافران با پیامبران الهی دیده می‌شود که میتوان آنها را در انواع متعددی طبقه‌بندی کرد و با دقت در آنها انواع دیگری از مغالطه را تشخیص داد و به شمار انواع مغالطه‌های موجود اضافه کرد. برای تشخیص انواع مختلف مغالطه‌ها ابتدا کل آیات، بررسی و انواع مغالطات مطرح در قرآن بررسی شد، سپس چند نوع مغالطه که می‌توانست در دسته‌بندی جدید یا متفاوتی قرار گیرد تحت عناوین ابداعی معرفی شد. در این راستا هفت نوع مغالطه ارائه می‌شود که عبارتند از: مغالطه‌های استبعاد، حقیقت و مجاز، ظن و گمان، بود و نمود، برچسب، سوگند و خودبرت‌تری عقلی.

عبدی، مهدی، جلالیان، رشید (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان: نقدی بر مغالطه در «هجویه رشیدالدین وطواط» خاقانی شروانی، در نوشته حاضر با تکیه و استناد بر مطالعات کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از روش استقرایی و شیوه توصیفی - تحلیلی، کوشیده‌اند انواع مغالطه را در این شعر خاقانی پی‌گیرند، که این امر ضمن نمایاندن قدرت سخنوری و شیوه داوری خاقانی، گویای مهارت شگفت‌انگیز او در برهان‌آوری و استدلال‌گرایی است. علاوه بر این، بر اساس داده‌های استخراج شده از این شعر، می‌توان بخش عمده‌ای از شخصیت خاقانی را مورد تأکید قرار داد و بدان پرداخت.

محمدی، محمدعلی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان: نقد مغالطات مستشرقان در مطالعات قرآنی پس از مفهوم شناسی، ضمن تأکید بر خدمات قرآن پژوهان منصف، به ده خطای مغالطه‌ای مستشرقان قرآن پژوه اشاره نموده است و در پی اثبات این فرضیه است که پژوهش‌های مستشرقان، بیش از آنکه بر برهان، جدال احسن و موعظه حسنه استوار باشد، در موارد فراوانی بر پایه مغالطات بنا شده است؛ از این رو پذیرش نتایج پژوهش‌های مستشرقان، نیازمند ژرف‌اندیشی افزون‌تری است. مستشرقان به دلایلی همانند پیش‌فرض‌های نادرست، تفاوت فرهنگی و ناآشنایی با زبان عربی در موارد فراوانی مغالطه کرده‌اند و مغالطه‌شناسی در مطالعات قرآن پژوهی مستشرقان، بسیار حائز اهمیت است.

خزای فر، علی (۱۳۸۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان: مغالطه روش برتر در ترجمه ادبی به این نتیجه رسیده‌اند که از دیرباز دو روش عمده در ترجمه ادبی وجود داشته است؛ این دو روش که تحت عناوین مختلف از جمله لفظ‌گرا

و معنی گرا شناخته می شوند، رقیب یکدیگر بوده و در هر مقطع تاریخی یک روش بر روش دیگر غلبه داشته است. کسانی که یکی از دو روش را از روش دیگر برتر می شمارند، برای اثبات برتری روش مورد نظر خود به عواملی استناد می کنند که مبنای فردی و یا منشا بیرونی دارد. برخی از این عوامل عبارتند از خواننده ترجمه، زبان، فرهنگ و اخلاق. نویسنده، تعاریف موجود از روش های ترجمه را مغلطه آمیز می شمارد و براساس عواملی درونی و عام، تعریفی از روش ترجمه ادبی ارائه می کند که تابع ذوق افراد و نیازهای فرهنگی در مقطع زمانی خاصی نیست و از اعتباری همیشگی برخوردار است.

حمدالهی، احمد (۱۳۹۷)، در مقاله ای تحت عنوان: تحلیل انتقادی مغالطه سوم از «مغالطات عقل محض» کانت، کوشیده است اولاً با تأمل دقیق در این توضیحات و با عطف توجه به سایر آراء و دیدگاه های اساسی کانت، تصویر نسبتاً دقیقی از دیدگاه وی در مورد این به اصطلاح مغالطه بدست دهیم؛ ثانیاً و در ضمن آن به نقد و ارزیابی این دیدگاه بپردازیم. تحلیل و بررسی دقیق توضیحات کانت نشان می دهد وی از یک سو بر اینهمانی نفس به عنوان یک حقیقت تحلیلی و بطور پیشینی معتبر تصریح و تأکید می کند، اما از سوی دیگر و در عین حال هدف اصلی و تمام تلاش او این است که نشان دهد اینهمانی تحلیلی و بطور پیشینی معتبر نفس یک اینهمانی عینی نیست و بر همین اساس با استناد به آن نمی توان مدعی شناخت اینهمانی و شخصیت عینی نفس شد. حاصل ارزیابی ادعاهای اصلی کانت درباره مغالطه سوم این است که به دلیل تعارضات و ناسازگاری هایی که میان این ادعاها با برخی از دیدگاهها و میناهای اساسی فلسفه وی وجود دارد، وی نمی تواند به نحو سازگار و منطقی شناخت اینهمانی و شخصیت عینی نفس را انکار نماید.

اعتضادی، لادن (۱۳۹۵)، مقاله ای نوشتند تحت عنوان: مطالعات باغ ایرانی و مغالطه «باغشهر». ایشان در این مقاله به منظور فهم چپستی باغ شهرو روشن شدن علت این مغالطه با جستجویی در ریشه تاریخی این اصطلاح در زبان و ادبیات فارسی و مرور منابعی که از باغشهر ایرانی سخن گفته اند و نیز متونی که پیشینه یا مرجع مطالعات باغ ایرانی بوده اند، به ابهامات و تناقضات در مفهوم و صورتی به نام باغشهر پرداخته می شود و در کنار توضیحاتی کلی در ماهیت باغشهر هاوارد، زمینه مقایسه باغشهر او و آنچه را در ایران باغشهر نامیده اند فراهم می شود تا بتوان مغالطه صورت گرفته در این زمینه را روشن کرد.

4- بحث و نتیجه گیری

ادراک حقیقی، شناخت جهانی است که در آن زندگی می کنیم. ما براساس درکمان از واقعیتها، نه براساس آنچه که عملاً واقعیت دارد، رفتار می کنیم. ما اطلاعات را دریافت و آن را جمع بندی و در قالب معنی داری که برای خودمان منحصر به فرد است، تعبیر و تفسیر می کنیم. به عبارت دیگر، تصویری از جهان واقعی را نقاشی می کنیم که نظر شخصی خودمان را ارایه می دهد. بنابر این، هیچ فردی تصویری یکسان نقاشی نمی کند. به مفهومی کاملاً واقعی، هر یک از ما در دنیای خاص خود زندگی می کنیم. تشخیص تفاوت های موجود بین دنیای ادراکی و واقعی، برای درک رفتار سازمانی اهمیت دارد. مدیران آگاه از این تفاوتها به هنگام تصمیم گیری دقت بیشتری به خرج می دهند و از اتخاذ تصمیمات مهم براساس شواهد ناکافی پرهیز می کنند. دقت، موضوعی حیاتی در شناخت رفتار است، و ما می توانیم انجام قضاوت های دقیق تر در جریان ادراک دیگران را بیاموزیم.

برای این منظور لازم است از سوگیریه‌های بالقوه در زمینه فرایند قضاوت و ادراک آگاه شویم. خوشبختانه از طریق آموزش می‌توان به قضاوت بهتر پرداخت. مدیریت به عنوان رشته‌ای مجزا عبارت است از سازماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیاز ساکنان شهر که شامل کارکردهای برنامه ریزی، اجراء، نظارت، کنترل و هدایت است و برای اعمال قدرت باید برآمده از اراده‌ی شهروندان و قراردادهای اجتماعی باشد. به طور کلی، می‌توان گفت که مدیریت به کارکردن با افراد و گروه‌ها برای رسیدن به مقاصد سازمان گفته می‌شود. دانشمندان علوم اجتماعی مدیریت را به عنوان یک رشته تحصیلی بررسی می‌کنند و در زمینه‌هایی نظیر سازمان اجتماعی و رهبری سازمانی تحقیق می‌کنند. مدیریت، فرآیند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد. تعریف مذکور، پنج قضیه اساسی ذیل را که زیربنای مفاهیم کلی نظری و عملی (فنی) مدیریت است در بردارد. مغالطه یا سفسطه به معنای به غلط انداختن دیگری از روی عمد، گاهی به قصد صحیح و برای مصلحت پسندیده مانند امتحان و آزمایش میزان معرفت شخصی، که به آن «امتحان» گفته می‌شود؛ و مانند مغلوب ساختن کسی که باطل میگوید و بر آن اصرار می‌ورزد، که در این صورت «عناد» خوانده می‌شود. و گاهی نیز با اغراض سوء انجام می‌شود، مانند ریبای به علم و معرفت و تظاهر به دانش دوستی. به عبارت دقیق منطقی، قضایایی که صورت و ماده آن شبیه یقین باشد یا صورت قیاس، صورتی فاسد باشد، قیاس سوفسطائی (مغالطه) خواهد بود. بروز مغالطه‌ها در سازمان‌های دولتی اجتناب ناپذیر است. یکی از انواع مغالطه‌هایی که در سازمان رخ می‌دهد مغالطه قطعیت جعلی است. این گونه مغالطه‌ها بر اثر عدم داشتن اطلاعات صحیح پدیدار می‌شود که خود نوعی آسیب سازمانی است که از خطاهای ادراکی حاصل می‌شود. خطای ادراک در همه افراد یکسان است یعنی همه به یک نحو مرتکب خطای ادراک می‌شوند. بنابراین برای مدیریت این نوع مغالطه بایستی نسبت به افزایش آگاهی و رفع خطاهای ادراکی سازمانی اقدام نمود زیرا عدم داشتن اطلاعات صحیح منجر به بروز خطاهایی از قبیل خطاهای ادراکی می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، از آنجایی که مغالطه خطای ادراکی است و نوعی آسیب در سازمان‌ها محسوب می‌شود که در اثر عدم داشتن اطلاعات صحیح از پدیده‌ها به وجود می‌آید. مدیریت یعنی به کارگیری علم و هنر هماهنگی و هدایت منابع مالی یا انسانی و یا هر دو، در رسیدن به هدف با حداکثر کارایی، مدیریت ترکیبی از علم و هنر است که بخش علم آن همان فراگیری دانش مدیریت از طریق آموزش است و بخش هنر آن پیاده سازی این دانش در عمل می‌باشد. بخش هنر نیز خود نیازمند کسب تجربه عملی و هنری ذاتی است. لذا برای مدیریت این نوع مغالطه باید آگاهی سازمانی را افزایش و خطای ادراکی را کاهش داد. مدیران همواره در حال قضاوت نسبت به اعمال و رفتارهای زیر دستان خود هستند. این برداشتها در بسیاری از موارد تأثیراتی مستقیم و عملی بر هر دو طرف قضاوت کننده و قضاوت شونده دارد. آنها تعیین می‌کنند چه کسی را برای یک شغل انتخاب کنند و یا اینکه صلاحیت فرد دیگری را تایید نکنند. همه افراد می‌توانند به راحتی در مورد افراد خانواده و دوستان خود نظر دهند و خصوصیات شخصیتی آنان را توصیف کنند. چرا که در موارد مختلف رفتارشان را بررسی کرده و شناخت کلی از آنان به دست آورده‌اند. اما با کمی دقت، در می‌یابید که با وجود فقدان اطلاعات کافی در مورد افراد دورتر و یا حتی افرادی که برای یکبار آنها را ملاقات کرده‌اید، به آسانی

نمی‌توان در مورد شخصیت آنها قضاوت کرد. لازم است در قضاوت رفتار دیگران، بیش از حد معمول محتاط باشیم و از افتادن در دامهایی که هنگام قضاوت افراد وجود دارد پرهیز کنیم. هر گاه متوجه شدید که عقایدتان در مورد افراد اغلب اشتباه یا جهت دار است، در آن صورت فرایندهای قضاوتی خود را بهبود بخشید.

منابع

آقائوری، نعیمه (۱۳۹۵)، مغالطه‌ها، مضادها و چالش‌های کاذب، موانع اصلی در پژوهش‌های حوزه ادبیات پایداری، فصلنامه علمی پژوهشی نقد ادبی، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۵، ص ۷-۳۹.

اسکات، دیوید (۱۳۸۳) رئالیسم و پژوهش تربیتی ترجمه بختیار شعبانی ورکی و شجاع رضوی. تهران: انتشارات دبیزش

اعضادی، لادن (۱۳۹۵)، مطالعات باغ ایرانی و مغالطه باغشهر، نشریه صفا، دوره ۲۶، شماره ۷۲، ص ۶۵-۸۵

جهانگیر، مصطفی (۱۳۹۹). چگونه دچار خطاهای ادراکی نشویم؟، مرکز آموزش عالی علوم پزشکی وارستان.

چیت‌ساز، حسنعلی (۱۳۸۳)، آسیب‌شناسی سازمانی، هفتمین همایش حمل و نقل ریلی، اردیبهشت ۱۳۸۳، دانشگاه صنعتی شریف.

حبیبی، آرش (۱۳۹۹). سازمان دولتی بخش عمومی، پایگاه اینترنتی پارس مدیر.

حمدالهی، احمد (۱۳۹۷)، تحلیل انتقادی مغالطه سوم از «مغالطات عقل محض» کانت، پژوهش‌های فلسفی نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، دوره ۱۳، شماره ۲۶، ص ۱۰۳-۱۲۱.

خندان، سید علی اصغر (۱۳۸۰). مغالطات، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی (بوستان کتاب قم).

خزای فر، علی (۱۳۸۳)، مغالطه روش برتر در ترجمه ادبی، مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، دوره ۳۷ (پیاپی ۱۴۵)، ص ۲۲۷-۲۳۳.

دهبان، بهنام، یزدانی، حمیدرضا، علی پور درویشی، زهرا (۱۴۰۰)، شناسایی و رتبه‌بندی خطاهای شناختی مرتبط با ابعاد تفکر راهبردی، نشریه: فرمان‌دهی و کنت‌رل سال: 1400، دوره: 5، شماره: 1، ص 66-86

دهقانی، خدیجه (۱۴۰۱). بررسی تحقیقات انجام شده بر خطای ادراکی مولر- لایر، ۱

رضاییان، علی (۱۴۰۱). اصول مدیریت، انتشارات سمت، چاپ ۳۱. فصل اول.

زمانپور، مهستی، (۱۳۹۹). ساختار سازمانی چیست و انواع آن کدامند؟، سایت اینترنتی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه <https://vc-food-drug.kums.ac.ir>

سعیدنیا، احمد (1383) مدیریت شهری کتاب سبز شهرداری‌ها، جلد 11، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهرداری‌های کشور، تهران، چاپ سوم.

شکوهی بیدهندی، محمد صالح (۱۳۹۸)، فرایند تهیه ی برنامه های توسعه ی شهری و تبیین انواع مغالطه در زمان پاسخگویی به افکار عمومی؛ نمونه ی موردی: کارگاه های ایسنا در نقد طرح جامع تهران، نشریه علمی باغ نظر، 16(76)، 21-30

شعبانی ورکی، بختیار، باغگلی، حسین قلی زاده، رضوان، عالی، مرضیه، خالق خواه، علی، (1390)، : طبقه بندی مغالطه های اسکات و پژوهش های تربیتی در ایران: ارزیابی روش شناختی پژوهش های منتشر شده در نشریات معتبر علوم تربیتی و روانشناسی ایران در سال های ۱۳۸۱-۸۵، پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۱(۱)، - 49. 74

صادقی گل، بهناز، دهقانپور، علیرضا (1398)، پژوهشی پیرامون انواع جدیدی از مغالطه در قرآن کریم، دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث (12)، 2، 4.

صرافی، مظفر و اسماعیل زاده، حسین (1385)، شهروندمداری راهکاری برای حل مسائل شهری ایران. اطلاعات سیاسی - اقتصاد، (۲۰)، ۱۲۶-۱۳۵.

عبدی، مهدی، جلالیان، رشید (۱۳۹۵)، نقدی بر مغالطه در {هجویه رشیدالدین وطواط} خاقانی شروانی، گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، سال ۱۳۹۵، شماره ۱۱

عسگری پور علی، شیخ رضایی (۱۳۹۸): بررسی امکان برون رفت از مغالطه ی طبیعت گرایانه در اخلاق از دیدگاه مایکل روس، دوفصل نامه علمی-پژوهشی تأملات فلسفی، دانشگاه زنجان، سال نهم، شماره 22، بهار و تابستان ۱۳۹۸، 242-272.

فلاح شمس، میرفیض، حق شناس کاشانی، فریده، افشارهاجر، فیروزه (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر کانون کنترل بر خطاهای ادراکی در تصمیم گیری سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری، سال اول، شماره سوم، پاییز 139۱.

گال، مردیت؛ بورگ، والترو و گال جویس (۱۳۸۴)، روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان شناسی ترجمه نصر و همکاران (جلد اول) تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و سمت.

گلشنی، مهدی (۱۳۸۵). از علم سکولار تا علم دینی تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

گتیه، ادموند (۱۳۸۷). آیا معرفت باور صادق موجه است؟ ترجمه شاپور اعتماد تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

محمدی، محمد علی (۱۳۹۸)، نقد مغالطات مستشرقان در مطالعات قرآنی، فصلنامه علمی تخصصی علوم قرآنی، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۸، ص ۱۳۴-۱۵۵.

نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۷۴)، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. تهران. انتشارات طهوری.

نوریان، حسین (۱۳۹۶)، <https://www.linkedin.com>

Bengtsson, J. (2007). With the Life-World as point of departure: A research approach for empirical educational research, Paper presented at European Conference on Educational research Association, 19-21 september 2007. Bhaskar, R. (1979). The possibility of naturalism. Brighton: Harvester Press.

Bennet, B. (2012). Logically Fallacious. 51.

Butler, J. K. (1991). Toward understanding and measuring conditions of trust: Evolution of a Conditions of Trust Inventory. Journal of Management, 17(3):643-663.

Dowden, B. (2009). The internet encyclopedia of philosophy. <http://www.iep.utm.edu> Retrieved from

Ellonen, R., Blomqvist, K., & Puumalainen, K. (2008). The role of trust in organizational innovativeness. European Journal of Innovation Management; 11(2), 160-181.

Erat, S., Erdil, O., Kitapçı, H., & Çömlek, O. (2012). The effect of them perception of organizational trust and organizational support on intention to quit and individual performance: An empirical study of the Turkish state universities. African Journal of Business Management, 6(30), 8853-8861.

French, Dare and Sardar, Heyat (1377). Culture of Management, Tehran: Governmental Education Mohammad Saabi, translation by Management Center

Gholipour, A., Pourezat, A. A., & Hazrati, M. (2009). The investigation of Servant Leadership on Organizational Trust and Empowerment in Public Organizations. Journal of Public Administration; 1(2), 103-118. (In Persian).

Gulshan, S. S. (2014). Management Principles and Practices by Books India. Gulshan. Excel Lallan Prasad and SS

Hansen, H, V. (2002). The straw thing of fallacy theory: the standard 'fallacy'. definition

the Netherlands. Kluwer Academic Publishers, printed in

- Isik, M., & Aliyev, Y. (2015). The Relationship between Teamwork and Organizational Trust. *International Journal of Research in Business and Social Science*, 4(1):133.
- Kane-Urrabazo, C. (2006). Management's role in shaping organizational culture. *Journal of nursing management*, 14(3):188-194.
- Schaubroeck, J., Lam, S., & Peng, A. (2011). Cognition-Based and Affect-Based Trust as Mediators of Leader Behavior Influences on Team Performance. *The Journal of applied psychology*, 96(4), 863-871.
- Vanhala, M, Heilmann, P, & Salminen, H. (2016). Organizational trust dimensions as antecedents of organizational commitment, Knowledge and Process Management; 23(1), 46-61.
- Waring, S. P. (2016). *Taylorism transformed: Scientific management Books*. UNC Press theory since 1945.
- Yang, J. (2005). *The Role of Trust in Organizations: Do Foci and Bases Matter?* Doctoral dissertation, Faculty of the Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College In partial fulfillment of the Requirements for the degree of Doctor of Philosophy in The Interdepartmental Program in Business Administration (Management) by Jixia Yang BA, Nanjing University, China, 1999.
- Yoos, G. E. (2007). Deceptions, blunders, and confusions. In Palgrave Macmillan US. (pp. 245–255). *Reframing Rhetoric* https://doi.org/10.1057/9780230607514_25